

# حکومت اسد برای ماندگاری کمک‌های خارجی را به جای تامین رضایت مردمش مدنظر قرار داد

الهه کولایی رخدادهای اخیر سوریه  
تحولات آتی و چشم‌اندازهای پیش روی  
منطقه را تحلیل می‌کند

## عمق استراتژیک ایران، تامین مطالبات مردم است

### گروه سیاسی

عمق استراتژیک ایران در کدام نقطه و کدام قلمرو قرار دارد؟ پاسخ به این پرسش از زاویه دید افراد و گروه‌های مختلف سیاسی، پاسخ‌های گوناگونی دارد. اغلب چهره‌ها و جریان‌ات اصولگرا در تمام طول سال‌های گذشته، سوریه، عراق، لبنان و سایر کشورهای منطقه‌ای را عمق استراتژیک ایران قلمداد کرده و سرمایه‌گذاری و حضور ایران را برای حفاظت از این عمق استراتژیک را طبیعی می‌دانستند. در برابر این طیف و این گروه از تحلیلگران اما قرائت دیگری نیز در میان تحلیلگران اصلاح‌طلب و مستقل وجود دارد که بر اساس آن اعلام می‌شود، عمق استراتژیک واقعی ایران نه در دوردستها و قلمروهای بیرونی، بلکه در درون کشور و در پاسخگویی به مطالبات، نیازها و خواسته‌های مردم قرار دارد.

بر اساس این قرائت هر اندازه که سیستم توجه بیشتری به خواسته‌ها و نیازها و معیشت مردم خود داشته باشد و انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی را افزایش دهد به همان میزان نیز عمق استراتژیک خود را قوام بخشیده و حفاظت کرده است. نمونه برجسته ایجاد یک چنین قوام استراتژیکی را ایران در دوران اصلاحات و در کشاکش رخدادهای پس از

11 سپتامبر تجربه کرده است. دوره‌ای که در آن نئوکان‌های جمهوری‌خواه ایالات متحده به رهبری جرج بوش پسر مانند امروز از نظم نوین در خاورمیانه و جهان صحبت می‌کردند و به بهانه 11 سپتامبر، سودای حمله به کشورهای منطقه را در سر می‌پروراندند. اما عاملی که باعث شد، ایران از لیست کشورهای هدف حمله آمریکا و غرب خارج شود، نه ظرفیت‌های نظامی و ادوات و تجهیزات جنگی ایران بلکه انسجام اجتماعی گسترده‌ای بود که در اثر حماسه دوم خرداد و مشارکت بیش از 70 درصدی ایرانیان در انتخابات ریاست‌جمهوری شکل گرفته بود. مبتنی بر این تجربیات عینی است که چهره‌هایی مانند الهه کولایی استاد دانشگاه و تحلیلگر حوزه سیاست خارجی زمانی که با پرسش‌هایی درباره عمق استراتژیک ایران مواجه می‌شوند بلافاصله بر این نکته پافشاری می‌کنند که: « عمق استراتژیک ایران در داخل کشور و در تامین رضایت و برآورده کردن نیازها و خواسته‌های مردم ایران است.» گفت‌وگو با الهه کولایی در خصوص رخدادهای سوریه از ریشه‌های بروز این تحولات آغاز شد و به دورنمای آینده و نقشی که ایران باید در مواجهه با این تحولات ایفا کند به پایان رسید. از منظر کولایی یکی از دلایل سقوط اسد این بود که به جای ایجاد رضایتمندی در مردم سوریه، تلاش کرد کم‌های قدرتهای خارجی مانند روسیه و ایران را جلب کند.

**ریشه‌های وقوع بحران سوریه به نظر شما شامل کدام موارد هستند؟ در واقع مسیری که این کشور پیمود تا دچار يك چنین از هم گسیختگی شود چه مسیری است؟**

ریشه رخدادهای اخیر سوریه، به شرایط داخلی این کشور، گوناگونی‌های بسیار زیاد قومی و مذهبی از یکسو و مداخله‌ها و نفوذهای خارجی از سوی دیگر مربوط می‌شود، از سال ۲۰۱۱ که موج انقلاب‌های عربی، در غرب آسیا و شمال آفریقا بر سوریه هم تاثیر گذاشت. حکومت اسد برای ماندگاری، جلب کم‌های خارجی را به جای تامین رضایت مردم کشور خود مورد توجه قرار داد. در طول ۱۳ سال گذشته، این کشور به ورطه جنگ داخلی افتاد. جنگی بسیار پرهزینه که آواره شدن میلیون‌ها تن از مردم سوریه و نابودی بسیاری دیگر از آنان را به همراه داشت. ریشه‌های بحران را به‌طور کلی می‌توان يك چنین مواردی دانست.

**پس از رخدادهای اخیر که باعث سرنگونی اسد و حضور طیف‌های مختلف از جمله هیات تحریرالشام در فضای سیاسی این کشور شد، سوریه به چه سمت و سویی حرکت خواهد کرد؟ آیا باید منتظر ثبات و آرامش در این کشور باشیم یا این که رخدادهای به سمت بی‌ثباتی و چالش سوق پیدا می‌کند؟**

با سقوط اسد و با پیروزی گروه‌های اسلام‌گرا با گرایش‌های تکفیری و در حالی که آنها می‌کوشند خود را تحول یافته و دور از گرایش‌های افراطی گذشته در پیوند با خلافت اسلامی شامات نشان دهند، ترکیه و امریکا جایگاه خود را در شکل دادن به آینده این کشور تحکیم کرده‌اند. آنان مخالفت خود را با حضور ایران مورد تأکید قرار داده‌اند، در حالی که روسیه هم با وجود ده‌ها سال حضور و نفوذ در سوریه و پایگاه‌های نظامی، پیشبرد جنگ در اوکراین را در اولویت قرار داده است. موضوع کردها که برای ترکیه اهمیت ویژه‌ای دارد، این کشور را با امریکا در سوریه همسو ساخته، در همان حال که در مورد آینده آن اختلاف نظر هم دارند. بخشی از گروه‌های سیاسی گوناگون در سوریه، که ضدیت آنان با جمعیت کمتر از ۱۵ درصدی شیعه و علوی روشن است، با جریان‌های تندروی اسلامی خارج از سوریه، که پیشتر در دوره خلافت اسلامی داعش در سوریه و عراق با آنان همکاری می‌کردند، ارتباط دارند. برخی از این گروه‌ها از تندروهای اسلام‌گرا در قفقاز، آسیای مرکزی و نیز اسلام‌گرایان اویغور با عنوان « جنبش اسلامی ترکستان شرقی » تشکیل شده‌اند. به این ترتیب سوریه می‌تواند بستری مناسب برای فعالیت این گروه‌ها، در شرایط تشکیل نشدن دولت ملی باشد.

**در کشاکش رخدادهای اخیر امریکا و سایر کشورهای غربی از نظم نوین منطقه‌ای سخن می‌گویند. این نظم یاد شده از منظر امریکا و غرب واجد چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی است؟**

امریکا همراهی با اسرائیل، در پی رخدادهای مهر سال گذشته، نابودی همه نیروهای مخالف را هدف قرار داده است. تلاش گسترده و همه‌جانبه اسرائیل با نقض آشکار مقررات و حقوق بین‌الملل در مورد حقوق مردم فلسطین، با حمایت کامل امریکا در نابود کردن حماس، حزب‌الله و کوتاه کردن عرصه‌های حضور و نفوذ ایران در غرب آسیا، با پیروزی ترامپ در انتخابات امریکا شدت بیشتری یافته است. نظم مورد نظر امریکا، پایان دادن به هرگونه ناامنی و اختلال در اجرای برنامه‌هایی است که بر گسترش داد و ستد جهانی تأثیرگذار است. تامین امنیت در غرب آسیا در این زمینه از اولویت برخوردار است. ولی محور اصلی سیاست خارجی امریکا، چین است.

**همواره مسوولان ایرانی از سوریه به عنوان عمق استراتژیک ایران نام می‌بردند. پس از تحولات اخیر عمق استراتژیک ایران در منطقه چه وضعیتی پیدا کرده و در دورنمای آینده چه تحولاتی ممکن است در اثر این تحولات ظهور و بروز یابد؟**

تحولات سوریه بار دیگر نشان داد، عمق استراتژیک ایران در داخل کشور و در تامین رضایت و برآورده کردن نیازها و خواسته‌های مردم ایران قرار گرفته است. در مورد ایران به ویژه این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا کشور ما به گونه‌ای «تنهایی استراتژیک» دچار است، که اهمیت اراده و خواسته‌های مردم را برجسته‌تر می‌سازد.

**تحولات اخیر سوریه در صفکشی نیروها در لبنان و دورنمای پیش روی مقاومت چه اثراتی خواهد داشت؟ آیا سقوط اسد به معنای ضربه وارد آمدن به مقاومت است یا اینکه تحولات در آینده ممکن است دچار تغییر به نفع مقاومت شود؟**

این موضوع بارها مورد تاکید قرار گرفته است. اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه در تحولات لبنان و نیز فلسطین، در متن مبارزه با اسراییل، سقوط بشار اسد را به رخداده تاثیرگذار در این منطقه تبدیل کرده است. این سقوط می‌تواند مجموعه‌ای از رخدادها را نیز به همراه داشته باشد. زیرا در کنار عوامل داخلی این دگرگونی، تاثیر معادلات قدرت در سطح بازیگران منطقه‌ای و جهانی نیز بسیار قابل توجه است. در واقع کنار گذاشتن ایران از دودسته‌های ارزشمند جهانی به گونه‌ای پایدار در بیش از سه دهه که از فروپاشی اتحاد شوروی می‌گذرد، دنبال شده است. ترکیه با بهره‌گیری از شرایط منطقه و جهان، می‌کوشد محدودیت‌های بیشتری را برای ایران در مرزهای شمال غربی آن ایجاد کند. پیش از این در مورد سیاست ناکارآمد ایران در قفقاز جنوبی، بسیار نوشته شده است...